

شرق روزنامه

یادداشت

با ساخت دیوارها دچار «توهم امن بودن» می شویم



مار کاریتا پوپوا
معاون رئیس‌جمهور بلغارستان

شناخت آکادمیک جهان، از منظر اجتماعی و شخصیت‌شناسی، همچون درک حقیقت بسیار متنوع است. ما امروزه شاهد انقلاب اطلاعات و علم هستیم؛ انقلابی که به‌شدت بر دانش ما در تمامی زمینه‌های وجودی می‌افزاید. گفتمان بین فرهنگ‌ها و شناخت و اطلاع از آن، بخشی از دستاورد علمی بشر است که در ایجاد انگیزه‌های اجتماعی در تقویت استقلال و امنیت کشورها دخیل است. واقعیت اهمیت موضوع فرهنگ مشترک برای امنیت مشترک، در زندگی حقیقی نمایان شده و به اثبات می‌رسد. سال ۲۰۱۵ که دومین دهه از قرن بیست‌ویکم است، بدون شک در تاریخ تمدن‌ها به‌عنوان دور مهاجرت بی‌سابقه به اروپا، تحریک شدید جو سیاسی، اجتماعی و روانی جامعه و ایجاد شوک در جوامع مختلف شناخته خواهد شد. این چنین است که دوباره پیش از همه‌چیز بررسی سازماندهی اجتماعی جامعه، اهدافی که شامل تلاش‌های مشترک در یک جهت، برای موازنه قانونی در جامعه و هنجارهای اجتماعی به کار برده می‌شود، اخلاقی و دین در جامعه، میزان علاقه جمعیت در گفت‌وگو و ساختار زندگی عمومی خود را نمایان می‌کنند. زندگی در جهان امروز ما را به سمتی سوق می‌دهد تا هرچه‌بیشتر از فرهنگ‌ها و هویت‌های دیگر افراد جامعه و در سطحی وسیع‌تر فرهنگ جوامع دیگر مطلع شویم و شناختی هرچند اندک داشته باشیم. برای ورود به محتوای اصلی موضوع بهتر است ابتدا درباره مفاهیم مهمی نظیر کشورداری (قدرت کشور)، امنیت، سیاست برای امنیت و سیاست دفاعی، سیستم سیاست ایجاد امنیت و دفاع، دولت رفاه اجتماعی، امنیت اجتماعی، امنیت اطلاعات، امنیت معنوی، وحدت اجتماعی، تضاد اجتماعی و گفتمان فرهنگی صحبت شود.

مدل فرهنگی قرن بیست‌ویکم

اعلامیه وین و برنامه عملی سال ۱۹۹۳ به‌درستی تعریف «فقر و محرومیت اجتماعی» را به‌عنوان «حمله به کرامت انسانی» اعلام می‌کند و به‌عنوان یک وظیفه اصلی جامعه بین‌المللی، ازبین‌بردن تمام مشکلات نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی را برمی‌شمارد. جلو چشمان ما تفکیک جهانی به تشدید درگیری‌های مختلف اجتماعی دامن زده است، این است که عمداً با فقر شدید، تفکیک گروه‌ها از استانداردهای فزاینده زندگی، مشکلات در نظام آموزش‌وپرورش، بی‌کاری در میان اقلیت‌های قومی در مناطق فقیرتر مواجه هستیم. در اهداف جدید توسعه هزاره بعد از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۳۰ سازمان ملل، مشارکت جهانی را برای توسعه پایدار به‌عنوان یک هدف اصلی و بزرگ‌ترین چالش ریشه‌کن‌کردن فقر در همه اشکال و ابعاد آن، از جمله فقر مفرط تعریف و تفسیر می‌کند. براساس این برنامه، هویت انسانی و ارزش انسانی مطرح می‌شود. در این سند چنین اشاره شده که توسعه پایدار امری است مهم، ارتقای درک بین فرهنگ‌ها تنها در شرایط صلح و امنیت ممکن است. فساد، سوءمدیریت، تلاش‌های غیرقانونی و جریان‌های مالی غیرقانونی عواملی هستند که منجر به ناامنی می‌شوند. برنامه‌ای که به‌تغف همه است در «جهان امروز» این‌گونه به تصویر کشیده شده است، میلیاردها شهروند در کشورهای مختلف دنیا همچنان در فقر زندگی می‌کنند و از یک زندگی مناسب و معقول محروم هستند. نابرابری رو به افزایش است، اختلافات عمیق و نابرابر در دسترسی به امکانات، ثروت و حکومت وجود دارد. افراط‌گرایی، تروریسم و بحران‌های انسانی مربوط به آن که عده‌ای را مجبور به ترک ناخواسته و مهاجرت‌های اجباری می‌کند از تهدیداتی هستند که می‌توانند به پیشرفت در توسعه در دهه‌های گذشته رشدی معکوس بخشند. (بیانیه مربوط به برنامه سازمان ملل متحد، بند ۱۴). اغلب نیاز به حمایت‌ها در محج پناهندگان و مهاجران به‌سوی کشورهای ثروتمندتر و پیشرفته‌تر، به‌جای آنکه به حقیقت پیوندند، با قلعه تسخیرناپذیر بوروکراسی در کشور جدید روبه‌رو می‌شوند؛ موضوعی که نامطلوب برای تبدیل دردمان این مسئله‌اشاره می‌شود این است که با ما باید به گفت‌وگوی بین فرهنگ‌های معنادار تأکید کنیم. این گفت‌وگو باید کمک کند تا نظرات بهتری نسبت به مهاجران در ذهن ما ایجاد شود تا بتواند از حقوق و آزادی آنها دفاع کند؛ اما حتماً باید به آنها القا شود که باید به قوانین و سنت‌های جامعه و کشوری که به آنجا برای زندگی آمده‌اند احترام بگذارند.

اخلاق، پایه و اساس دیالوگ بین فرهنگ‌ها

اصول و احکام جهانی کتاب سفید شورای اروپا درباره گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها که نقطه شروعی برای بازسازی آینده جهان حاضر است، در سهسته اصلی خود همیشه از تعرض به اخلاق مصون است و بر قلمرو از‌خودگذشتگی، آمادگی برای شنیدن نظرات مخالف، مسئولیت و صداقت نسبت به دیگر انسان‌ها اصرار دارد. تنها موضوعی که با اقتدار مطلق برای درمان این مسئله‌اشاره می‌شود این است که با دیگران همان‌طوری رفتار کنیم که دوست داریم با ما رفتار شود و انسان را به‌عنوان یک ارزش درک کنیم. به‌وجودآمدن چنین دیالوگی نه با کنجاندن آن به‌عنوان قانون و یک امر صرفاً سیاسی و نه به شکل یک فرمان و دستور و نه با زور و فشار قابل دسترسی نیست، بلکه تنها راه برای آن برانگیختن انگیزه و وجدان انسانی ماست که رنگی انسانی به خود بگیرد. این دیالوگ بین ما باید به‌عنوان فاکتور درآید و ضمانتی شود برای افزایش آلودگی روح که تاکنون ناشناخته بوده است، ضمانتی برای فضاهای فرهنگی بدون پیش‌داوری‌ها و هشدارهای غلط درباره «غریبه‌ها» باید بدون اعمال تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه باشد. انصراف از گفتمان، انصراف از ارزش‌های مشترک انسانی و انصراف از آینده است. اگر بل‌های گفتمان بشکنند یا زمانی از بین بروند، مردم و جوامع به‌جای تمرکز روی عقلانیت، بیشتر به لبه تیز خرافات و تعصب‌های کشیده می‌شوند، در پی آن نیز شاهد افزایش افراط‌گرایی، عدم تحمل دیگران، تبعیض، افتراق، نژادپرستی و حتی تروریسم خواهیم بود. همان‌طور که در کتاب سفید اشاره شده است، حتی اگر بلندترین دیوارها را نیز بسازیم و مرزهای خود را کاملاً بسته و به پیشرفته‌ترین تجهیزات دفاعی مجهز شویم، در نهایت متوجه می‌شویم که تنها دچار «توهم امن‌بودن» شده‌ایم.

ادامه در صفحه ۱۲

نگاه

تیر خلاص اسرائیلی

قانونی که پارلمان اسرائیل آن را تصویب کرد و به شهرک‌سازی در کرانه باختری وجهه قانونی بخشید، تنها تهدیدی علیه فلسطینی‌ها نیست، بلکه محکومیتی برای جامعه جهانی‌ای است که آنها را فریب داد. روزنامه مستقل «رأی‌الیوم» در سرمقاله‌ای می‌نویسد: این مصوبه که در مرحله سوم و نهایی از سوی کنست (پارلمان اسرائیل) تصویب شد، به منزله تیر خلاصی به راهکار تشکیل دو دولت و دفن توافق‌نامه اسلو بود که به لغو تشکیلات خودگردان فلسطین منجر شده و نیروهای امنیتی فلسطین را به نیروهای مزدور رسمی که محافظ شهرک‌سازی و شهرک‌نشینان هستند، تبدیل می‌کند.

«محمود عباس»، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، در کنفرانسی مطبوعاتی در پاریس گفت این قانون تجاوزی علیه مردم فلسطین است و فلسطینیان مقابل نهادهای بین‌المللی در برابر این قانون مقاومت خواهند کرد. صائب عریقات، دبیر کمیته اجرائی ساف، نیز تهدید کرد به محض صدور قانون دیگری درباره انتقال سفارت آمریکا یا هر سفارت‌خانه دیگری به قدس اشغالی، تشکیلات خودگردان فلسطین دیگر اسرائیل را به رسمیت نخواهد شناخت. این قانون در مرحله سوم به تصویب رسید. سزوالی که اینجا مطرح است، این است که عباس، مشاورانش و مسئولان تشکیلات خودگردان و سفیرایش در دو مرحله قبل کجا بودند؟ در مقر ریاست تشکیلات خودگردان به خواب رفته بودند یا مشغول بازی تخته‌نرد بودند؟ چرا تظاهراتی در سرتاسر کرانه باختری برگزار نشد؟ یا کمپین دیپلماتیکی در همه پایتخت‌های جهان به راه انداخته نشد؟

محمود عباس به‌تازگی کنفرانسی را برای جنبش فتح برگزار کرد و هرکه را خواست از این جنبش برگزار و هرکه را خواست، در انتخاباتی صوری تعیین کرد. وی در این کنفرانس اعلام کرد آنها مقاومت مردمی را برای مقابله با اشغالگری اسرائیل و اقدامات سرکوبگرانه و شهرک‌سازی‌های آن در پیش گرفته‌اند. ما از محمود عباس و اطرافایش می‌پرسیم این مقاومت کجاست؟ چرا مقابل شهرک‌سازی و سرقت اراضی فلسطینیان در دوره‌ای که این قانون بررسی می‌شد، مقاومت نکرد؟ یا اینکه این مقاومت در جهان دیگر، یعنی در آخرت، آغاز خواهد شد.

بارها شنیده‌ایم تشکیلات خودگردان فلسطین می‌خواهد به نهادهای بین‌المللی و به‌ویژه دادگاه کیفری پیوندند تا جانیات‌کاران اسرائیلی را تحت پیگرد قرار دهد. ما مدیدیم که عباس اوراق و اسناد پیوستن به این دادگاه‌ها را امضا می‌کند؛ اما امروز غافلگیر شدیم از اینکه می‌بینیم این اسنادن به‌هیچ‌وجه ارائه نشده و تنها نمایش ازقبیل آماده‌شده‌ای برای آراش دادن مردم فلسطین بوده است.

ما تردید داریم از اینکه محمود عباس بخواهد به دادگاه کیفری برود. همچنین شک داریم بخواهد در صورت انتقال سفارت آمریکا به قدس، دیگر اسرائیل را به رسمیت نشناسد. همه صحبت‌هایی که دراین‌باره شده، فقط «طبل توخالی» است. ما بسیار خوشحال خواهیم شد اگر محمود عباس ثابت کند ما اشتباه کرده‌ایم.

منبع: ایسنا



عکس: AP

«احمد سبحانی»، سفیر سابق ایران در مکزیک و ونزوئلا، در گفت‌وگو با «شرق»:

«ترامپ» چهره بدون روتوش یک یانکی آمریکایی است

عبدالرحمن فتح‌اللهی

را هم مزید بر این عوامل باید دانست، چراکه عمده این زنان از مرز مکزیک به آمریکا سرازیر می‌شوند. شاید به‌دلیل همین مشکلات عدیده باشد که آمریکا با وجود نقاط مثبت در رابطه با مکزیک چندان دل خوشی از مهاجران مکزیک‌ی ندارد. باید توجه کرد که ترامپ چهره بدن روتوش یک یانکی آمریکایی است، او سیاست‌هایش را در فهمی همه‌گیر نشان می‌دهد؛ بنابراین برای مردم آمریکا، ترامپ مسئله اعتیاد، فحشا و بی‌کاری را معطوف به عواملی کرده که یکی از آن عوامل مهاجران غیرقانونی به‌ویژه مکزیک‌یی هاست.

۷ نخست باید گفت، مکزیک بعد از پیمان «نفتا» (NAFTA) در سال ۱۹۹۴ میلادی با حذف تعرفه‌های گمرکی با ۴۴ کشور دنیا ارتباط آزاد تجاری دارد؛ نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی مکزیک از ۶۰ درصد هم فراتر می‌رود؛ دوم آنکه، مکزیک بزرگ‌ترین کشور اسپانیایی‌زبان دنیاست که با جمعیت ۱۴۰ میلیون، یک سوم اسپانیایی‌زبان‌ها را در خودش جای داده است؛ سوم، بر اساس پیش‌بینی‌های بانک «اچ‌اس‌بی‌سی» در دوره شش‌ساله، وابستگی قطعاً در آمریکا حرف اول را سرمایه می‌زند؛ این سرمایه هم فقط در دست صاحبان شرکت‌هاست. پول انتخابات‌های آمریکا از کجا تأمین می‌شود، جز همین شرکت‌ها؟ و قطعاً منطقی نیست که آنها هزینه انتخاباتی را بدهند که موجب ضررشان می‌شود و از آن‌سو این شرکت‌ها در آمریکا که کم هم نیستند و البته به‌شدت هم تأثیرگذارند به‌راحتی از سود خود به‌واسطه تولید ارزان می‌گذرند.

آنچه که در اینجا مطرح است، فقط همین نکته است؛ در چنین شرایطی ترامپ به دنبال بهبود وضعیت آمریکا از نظر اقتصادی و رفاه اجتماعی است وگرنه چرا باید مردم آمریکا او را انتخاب کنند؟ پس لازم به ذکر است خود او هم مشکلی با فعالیت کاری و تولیدی این شرکت‌ها ندارد. ترامپ فقط به دنبال راه‌حلی است که بتواند شعارهای داخلی‌اش از جمله ایجاد شغل را عملیاتی کند. اینکه ترامپ بخواهد تمام وضعیت موجود را به‌هم بریزد، نه ممکن و نه شدنی است، اما خود او هم به این امر واقف است که شعار او درباره بازبینی نفتا به معنای قطع آن نیست، بلکه از این طریق محدودکردن روابط آزاد تجاری را در سر دارد و از این گذار با راهکارهایی نظیر تعرفه‌بندی، افزایش حق گمرک و بالابردن هزینه حمل‌ونقل، به هدف خود، یعنی ایجاد شغل دست پیدا کند. در غیراین‌صورت اگر ترامپ به منوال دوره‌های قبل بخواهد عمل کند و از شعارهایش دست بکشد، علاوه بر بی‌اعتمادشدن مردم نزد خود باعث می‌شود که اقتصاد آمریکا با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم کند که حتی اوباما هم در آخرین سخنرانی‌اش به آن معترف بود؛ یعنی وضعیت اقتصادی به‌شدت مشتت این کشور.



ترامپ فقط به دنبال راه‌حلی است که بتواند شعارهای داخلی‌اش از جمله ایجاد شغل را عملیاتی کند. اینکه ترامپ بخواهد تمام وضعیت موجود را به‌هم بریزد، نه ممکن و نه شدنی است، اما خود او هم به این امر واقف است که شعار او درباره بازبینی نفتا به معنای قطع آن نیست، بلکه از این طریق محدودکردن روابط آزاد تجاری را در سر دارد

اول اینکه، شعار ترامپ چیز جدیدی نیست و اخراج مهاجران در دستور کار دولت اوباما و سایر دولت‌های قبلی هم بوده است. از سوی دیگر، اکنون که ما با هم صحبت می‌کنیم در بخشی از مرز مکزیک دیوارهای مرزی و سیم‌خاردارهای مرزی وجود دارد، اما در بلندمدت و از بعد استراتژیکی اساساً ساختن دیوار و کشیدن سیم‌خاردار مرزی به نظر کوتاه‌نظرانه می‌آید. در همان دیوارهای مرزی موجود هم که گفتم نقب‌هایی برای خروج مهاجران از سوی خودشان زده شده و بیشتر این مهاجران که بیش از ۷۰ درصد آنان را شامل می‌شود، دوباره و از همان راه‌های غیرقانونی به آمریکا بازمی‌گردند و عملاً تمام بودجه‌ها صرف هیچ زده است.

دوم، زمانی که ترامپ از برخورد تندش با مسلمانان آمریکایی سخن گفت، نهایتاً به کجا بازگشت؟ ترامپ اکنون درباره مسلمانان به این باور رسیده که فقط باید با مسلمانان کشورهای تروریست مبارزه کرد، اما باز هم تقسیم مسلمانان تروریست غلط است. ترامپ به‌جای عریستانی که نمونه بارز تروریسم است، به ایرانی برجسب تروریست می‌زند که بیشترین کارهای تحقیقاتی و علمی درآمدزایی را برای آمریکا داشته است. مکزیک‌ی هم که شما بخشی از ویژگی‌هایش را مطرح کردید، نقطه اتکای سیاست و اقتصاد آمریکا بوده و هست. پیمان نفتایی هم که مطرح کردید باعث حذف هزینه‌های گمرکی شده و روابط آزاد تجاری مکزیک- کانادا- آمریکا تحت‌تأثیر شعارهایی که من معتقدم تغییر می‌یابد، تعدیل می‌شود، اما اگر چنین نشد، بنده با ارائه تحلیلی بر احتمال تغییر در روابط اقتصادی مکزیک و آمریکا خطاب به فعالان تجاری و صنعتی ایران گفتم‌ه در صورت سخت‌شدن صادرات کالاهای تولیدی در مکزیک که با هدف بازار آمریکا تولید می‌شد، ممکن است برخی از این کارخانجات که دارای تکنولوژی مدرن هم هستند تعطیل شوند و این فرصتی نخواهد بود که صاحبان

هشتم نوامبر ۲۰۱۶ در کاشش ناگهانی ۲۶ درصدی ارزش پزو (پول مکزیک)، درگیری و شورش در اکثر ۳۱ ایالت مکزیک گزارش شد، چراکه در آن روز «دونالد ترامپ» برنده انتخابات آمریکا شد. یکی از شعارهای مهم انتخاباتی ترامپ وعده اخراج مهاجران غیرقانونی بود.اما از آن سو سایت تحلیلی «ناورس‌تودی» آمریکایی نوشت: «وعده دونالد ترامپ درباره اخراج سه میلیون مکزیک‌ی مهاجر غیرقانونی از آمریکا، نگرانی‌هایی را از جمله در میان شهروندان مکزیک‌ی به وجود آورده است؛ اما آیا ترامپ مواضع تند خود را در قبل مکزیک تعدیل خواهد کرد؟ اقدامات دولت مکزیک در برابر این شرایط چگونه خواهد بود؟ وضعیت آینده سیاسی- اقتصادی واشنگتن- مکزیکوسیتی به چه سمتی پیش خواهد رفت؟ اما تحلیل دقیق این سؤال‌ها را در گفت‌وگویی با «احمد سبحانی»، سفیر سابق ایران در مکزیک و ونزوئلا و همچنین مدیر کل اسبق آمریکای لاتین و غرب آسیای وزارت امور خارجه پی خواهیم گرفت.

۷ آمریکا فقط با دو کشور همسایه است و با آنها مرز زمینی دارد؛ یکی کانادا و دیگری مکزیک، ازاین‌رو باید این ارتباط به‌دلیل محدودبودن کشورهای عمق و ژرفای بیشتری داشته باشد؛ اما میزان عمق این روابط با مکزیک چقدر است؟ تأثیر مکزیکوسیتی بر واشنگتن و واشنگتن بر مکزیکوسیتی چگونه و به چه میزان است؟

همچنان که مطرح کردید آمریکا با دو کشور مرز زمینی دارد، در شمال کانادا و در جنوب مکزیک؛ بنابراین قریابت‌های هر دو کشور بسیار به هم نزدیک است؛ اما درباره مکزیک اگر بخواهیم این قریابت را بررسی کنیم، به نفوذ و تأثیر بالای مکزیک‌ی‌ها در آمریکا می‌رسیم. از بُعد فرهنگی این تأثیر شرایطی را موجب شده تا لاتین‌تبارها در آمریکا صاحب نفوذ شوند. اکنون در ایالت‌های جنوبی آمریکا به‌خوبی شاهد نفوذ زیاد فرهنگ اسپانیولی و مکزیک‌ی هستیم و جالب است بدانید این ایالت‌ها در اصل به خود مکزیک تعلق داشته‌اند و در سال ۱۹۴۸ آن کشور جدا و جزء خاک آمریکا شده‌اند. مکزیک با آمریکا بیش از سه‌هزارو ۲۰۰ کیلومتر مرز زمینی دارد. ما اکنون در آمریکا شاهد نسل‌هایی هستیم که از قدمت چنددهه‌ای یا چندسده‌ای برخوردارند و شما باید به این مصادیق یادشده فهرست مهاجران غیرقانونی مکزیک را هم بیفزایید. از بعد اقتصادی هم تأثیر و رابطه دو کشور اگر شدیدتر نباشد، کمتر از شدت بُعد فرهنگی آن نیست. ما امروز شاهد رابطه اقتصادی مهم و قدرتی میان دو کشور هستیم که فقط برای نشان‌دادن عمق آن در زمینه تجارت همکسب بس که میزان تجارت مکزیک با آمریکا از میزان کل تجارتش با آمریکای لاتین بیشتر است و چیزی در حدود ۸۰ درصد تجارت خارجی مکزیکوسیتی با واشنگتن است. پس به‌خوبی روشن است گروه‌ای فرهنگی و اقتصادی میان دو کشور بسیار پیچیده و درهم‌تنیده است، به‌طوری‌که نمی‌توان آن را قطع کرد.

۷ اما با تمامی این تأثیرات و روابط عمیق موجود میان آمریکا و مکزیک، ترامپ از همان روز آغاز تا زمان انتخابش یکی از وعده‌های کابینه‌اش را مبارزه با مهاجران غیرقانونی به‌ویژه مکزیک‌ی‌ها قرار داده و در همین راستا در مصاحبه خود با برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه «سی‌بی‌اس» در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶ از برخورد فاطعش با مکزیک‌ی‌های مهاجر در آمریکا سخن گفت. دلیل سبیل‌شدن مکزیک‌ی‌ها در مسئله مهاجران غیرقانونی را که شاید رقمی بین ۲۰ تا ۳۵ درصد از جمعیت مهاجران را به خود اختصاص دهند و توهین‌های مکرر خود ترامپ را از آن‌هم با وجود شرایط و بافت عمیق فرهنگی- اقتصادی‌ای که مطرح شد در چه عواملی می‌بینید؟

آمریکا دیگر رونق اقتصادی سابق در دوران پیش از ۲۰۰۸ میلادی را ندارد. امروز در آمریکا رشد آمار بیکاری، فقر و میزان بدهی مردم به بانک‌ها و قدرت پایین نگاه‌های اقتصادی به مسئله‌ای اساسی در خود آمریکا بدل شده، به‌گونه‌ای که این چالش به مرز هشدار رسیده است. صنایع کوچک و متوسط در این کشور دیگر توانایی لازم را ندارند و اکنون شرکت‌های بزرگ و صنایع نظامی آن هم با حمایت دولت می‌توانند به ادامه فعالیت‌شان در خاک این کشور بپردازند. در این شرایط اگر کسی شعار ایجاد شغل و مقابله با مهاجرانی که فرصت‌های مردم آمریکا را از آنان ربوده سر دهد، قطعاً به مذاق ملت آمریکا خوش می‌آید و دلیل انتخاب ترامپ را باید در همین شعارهای پوپولیستی مورد نیاز دید. درباره سبیل‌شدن مهاجران غیرقانونی مکزیک‌ی، باید این‌گونه جواب داد همان‌طور که قبلاً هم گفتم‌ه آمریکا با ایالات متحده مکزیک بیش از سه‌هزارو ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. بسیاری از آمریکایی‌های نظیر ترامپ معتقد هستند این مرز زمینی به محملی برای فعالیت کارتل‌های بزرگ مواد مخدر بدل شده که این کشور را به مقصد اصلی صادرات مواد مخدر تبدیل کرده است. از آن طرف مسئله خشونت فزاینده در آمریکا را هم نباید از نظر دور داشت؛ میزان قتل، تجاوز، خشونت‌های خیابانی و همچنین تعداد زندانیان لاتین‌تبار موجود در زندان‌های ایالات متحده و هزینه‌ای که این نگهداری از زندانیان برای دولت داشته و علاوه بر آن، مسئله زنان روسپی و روسپی‌گری و اشاعه فحشا